خراسان بزرگ: سال هفتم، شماره (۲۴)، پاییز ۱۳۹۵
Quarterly bulletin of Greater Khorasan: Vol.7, No.24, Fall 2016

روند اسلام‌ستیزی بلشیوک‌ها در آسیای مرکزی

حبیب زمانی محجوب[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۳
شماره صفحات: ۷۴-۶۱

چکیده

بلشویک‌ها پس از پیروزی در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م در روسیه، جانشین تزارها شدند و اداره قلمرو تحت حاکمیتِ آن‌ها، از جمله آسیای مرکزی، را بر عهده گرفتند. جانشینان کمونیستِ تزارها، خیلی زود، مبارزه‌ای همه‌جانبه را علیه دین و فرهنگ اسلامی آسیای مرکزی آغاز کردند و هویت اسلامی مردم این منطقه را با ابزارهای گوناگون هدف قرار دادند. چرایی و چگونگی اسلام‌ستیزی بلشویک‌ها سؤال اصلی این مقاله است که نگارنده، با روش توصیفی-تحلیلی، در پی بررسی و تبیین آن می‌باشد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد کشتار مسلمانان، تخریب و تعطیلی مساجد و مدارس دینی، مقابله با فعالیت‌های مبلغان مذهبی، توقف چاپ کتب دینی به‌ویژه قرآن، تبدیل خط و الفبای عربی و فارسی به روسی، لغو حجاب، مصادره اوقاف و منحل‌کردن دادگاه‌های شرعی از جمله اقدامات ضد اسلامی بلشویک‌ها در دوران هفتادساله سلطه خود بر آسیای مرکزی است. ولی باوجود همه تلاش‌ها و تبلیغات ضد اسلامی‌شان، در حذف اسلام از زندگی مردم آسیای مرکزی چندان موفق نبوده‌اند و مسلمانان این منطقه، با برپایی جنبش‌هایی نظیر «باسماچی» و حفظ هویت دینی و ملی خود در قالب اسلامِ غیررسمی، مقاومتی ستودنی در برابر بلشویک‌ها از خود به یادگار گذاشتند.

واژگان کلیدی: آسیای مرکزی، اسلام‌ستیزی، بلشویک‌ها، استالین، خُروشچِف.

۱. استادیار تاریخ و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع).zamani1358@gmail.com

مقدمه

سیطره بلشویک‌ها بر آسیای مرکزی،[۱] از دوران سیاه و تاریک تاریخ این منطقه است. حاکمان کمونیست، در دوران سلطه خود بر آسیای مرکزی(۱۹۱۷-۱۹۹۱م) اقدامات فراوانی در راستای اسلام‌زدایی در این منطقه انجام دادند و مصائب فراوانی بر مردم مسلمان این منطقه تحمیل کردند. با کمال تأسف، مصائب مسلمانان آسیای مرکزی، از آغاز دوران نفوذ روس‌های تزاری تا تحکیم سلطه بلشویک‌ها، و ژرفای فجایعی که در حق فرهنگ و تمدن اسلامی در این منطقه انجام گرفت، آن‌گونه که بایدوشاید، واکاوی نگردیده است، چنان‌که به نوشته دکتر محمدحسین امیراَردوش[۲] هیچ اثر ارزشمند فرهنگی – هنری، در این حوزه، خلق نشده و در هیچ شهر و روستایی از این سرزمین، که در هر گوشه آن برای مقابله با ظلم و ستم اشغالگران، شهیدی آرمیده، تندیسی به یاد مجاهدت و رشادت مبارزان مقاومت مسلمانان افراشته نشده است، درحالی‌که، در بسیاری از آثار روسی، که هم-اکنون در جمهوری‌های پنج‌گانه محل رجوع محققان است، بر تهاجم و سلطه بیگانگان تصریح گردیده و مقاومت مسلمانان در مقابله با آنان محکوم‌شده است.[۳]

هدف این مقاله تبیین فرایند سیاست‌های اسلام‌ستیزانه بلشویک-ها در منطقه آسیای مرکزی است که بر محوریت ارائه پاسخ به این دو پرسش شکل‌گرفته است:

۱. بلشویک‌ها چه اقدام‌هایی برای مقابله با دین اسلام و مسلمانان آسیای مرکزی در این منطقه انجام دادند؟

۲. این اقدام‌ها چه پیامدها و نتایجی در بر داشت؟

اسلام‌ستیزی بلشویک‌ها در آسیای مرکزی، به‌طور پراکنده، در کتاب‌هایی مانند *حکومت مسکو و مسأله مسلمانان آسیای مرکزی شوروی* تدوین مایکل ریوکین، *اسلام و شوروی* تدوین کریم روشنیان، *مبارزات خلق مسلمان ترکستان بر ضد استعمار سرخ شورروی و چین تدوین محمد اسد شهاب*، *اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز* تدوین علی کتانی و *اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی* تدوین امانوئل کاراجیانس انعکاس یافته است، ولی مقالات بسیار اندکی به این موضوع پرداخته‌اند. برومند اعلم در مقاله «سیاست‌های استعماری روسیه تزاری در فرارود»، مطالب خوبی درباره اسلام‌ستیزی روس‌ها گردآورده، ولیکن مربوط به دوره تزارهاست و درباره اسلام‌ستیزی بلشویک‌ها مطلبی ندارد. نصرالله حسین‌زاده نیز در بخشی از مقاله «بررسی تاریخی اوضاع اجتماعی-سیاسی مسلمانان آسیای مرکزی»، در تبیین وضع مسلمانان در دوره روس‌ها، به‌طور مختصر و توصیفی به برخی سیاست‌های اسلام‌ستیزانه بلشویک‌ها اشاراتی دارد. چنان‌که ملاحظه شد تاکنون مقاله جامع و مستقلی به زبان فارسی، درباره این موضوع نگاشته نشده و خلأ تحقیق درباره اسلام‌ستیزی بلشویک در ابعاد گوناگون مشهود است.

۱. سلطه بلشویک‌ها بر آسیای مرکزی

از سده هجدهم میلادی(دوازدهم هجری قمری)، امپراتوری روسیه، همچون دیگر رقبای اروپایی خود، برای رفع نیازهای استعمارش به توسعه‌طلبی و کشورگشایی روی آورد. یکی از مهم‌ترین سرزمین‌هایی که برای روسیه بسیار هوس‌برانگیز بود، منطقه ماوراءالنهر بود که تحت سیطره خاناتی ضعیف بود و تسلط بر آن‌ها برای دولت روسیه هزینه و دشواری خاصی نداشت.[۴]

---

۱ . فرارود(ورارود)، ماوراءالنهر، ترکستان، آسیای میانه و آسیای مرکزی نام-هایی است که از ابتدا تاکنون بر این سرزمین باستانی نهاده شده است. فرارود یا ماوراءالنهر، به لحاظ جغرافیایی، سرزمینی در آن‌سوی رود جیحون تا رود سیحون بود که در عمده منابع جغرافیایی و تاریخی قدیم از این عبارت برای این سرزمین استفاده‌شده است(ر.ک: *احسن التقاسیم*، ج۲، ص۳۸۰؛ *مسالک و ممالک*، ص۲۲۶؛ *حدودالعالم*، ص۳۲۸؛ *شاهنامه*، ج۱، ص۲۲۹). ترکستان، درواقع، نام سرزمین‌های شمالی ماوراءالنهر بود که تا مغولستان امتداد می‌یافت (*ترکستان در تاریخ*، ص۹). روس‌های تزاری پس از سلطه بر ماوراءالنهر، در قرن نوزده میلادی، این منطقه را ترکستان خواندند و تا مقطعی از دوره بلشویک‌ها هم این نام کاربرد داشت؛ اما از سال ۱۹۲۴م بلشویک‌ها از عبارت «آسیای میانه» برای این سرزمین استفاده کردند. آنان متصرفات خود را در آسیا، از لحاظ ارتباط با مسکو، به سه بخش تقسیم کردند: ۱. آسیای نزدیک (متصرفات قفقاز و شمال قفقاز) ۲. آسیای میانه (جمهوری‌های پنج‌گانه) ۳. آسیای دور (متصرفات سیبری و سرزمین‌های شرقی) («*نگاهی به آسیا و شناخت آسیای مرکزی*»، ص۳۲- ۳۳). ابداع اصطلاح آسیای میانه توسط بلشویک‌ها در پی سیاست توسعه‌طلبانه خود و به‌منظور هویت‌زدایی از پیشینه تاریخی فرهنگی مردم این منطقه بود؛ حال‌آنکه این اصطلاح نه منطق جغرافیایی نه پیشینه تاریخی داشت و ماهیت آن سیاسی و استعماری بود(«*ریشه‌های تاریخی مسائل جغرافیایی سیاسی*»، ص۲۶۶). پرویز ورجاوند، مترجم کتاب *خراسان و ماوراءالنهر(آسیای میانه)*، در مقدمه‌ای که بر این کتاب نگاشته است، می‌نویسد: در دائره‌المعارف روسیه تزاری، که جلد اول آن در سال ۱۹۸۰م و جلد آخر آن در سال ۱۹۰۴م به چاپ رسید، واژه «آسیای میانه» به‌منزله محدوده یا منطقه‌ای جغرافیایی یا واحدی سیاسی نیامده است.... سال-ها بعد، در دومین دائره‌المعارف بزرگ شوروی، که در سال ۱۹۵۷م به چاپ رسید، عنوان «آسیای میانه» به چشم می‌خورد... تا بدین‌وسیله سلطه خود را بر این منطقه تثبیت و آن را بخشی از امپراتوری شوروی معرفی کنند(*خراسان و ماوراءالنهر(آسیای میانه)*، ص۱۱-۱۳). در جغرافیای سیاسی امروز از عبارت «آسیای مرکزی» برای این سرزمین استفاده می‌شود که مقصود پنج کشور مشترک‌المنافع تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان است، که در سال ۱۹۹۱ م با فروپاشی امپراتوری شوروی مستقل شدند.

۲ . رایزن فرهنگی ایران در تاجیکستان.

۳ . «اسلام‌گرایی در تاجیکستان – آسیای مرکزی»، شهریور ۱۳۹۱.

۴ . «*سیاست‌های استعماری روسیه تزاری در فرارود*»، ص۲۰.

ازاین‌رو، روس‌ها به‌طورجدی، به فکر نفوذ در ماوراءالنهر و تصرف این منطقه افتادند.[۱] همچنین، روسیه، دستیابی به منطقه آسیای مرکزی را تنها راه رسیدن به عرصه سیاسی و اقتصادی هندوستان، زمرّد تاج دولتی امپراتوری بریتانیا، می‌دانست و برای نفوذ به این سرزمین هرگز نمی‌خواست از رقیب سرسخت خود عقب بماند.[۲] تا اوایل سده نوزدهم میلادی، روس‌ها بخش‌های وسیعی از سیبری و مناطق قزاق‌نشین استپ را زیر سلطه خود درآوردند[۳] و در نیمه دوم سده نوزدهم تمام آسیای مرکزی را ضمیمه امپراتوری خود کردند.[۴]

در سال ۱۹۱۷ م، انقلاب اکتبر روسیه روی داد و با استعفای تزار نیکلای دوم، سلطنت تزارها خاتمه یافت و قدرت به دست بلشویک‌ها افتاد.[۵] پس از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م، به دستور لنین،[۶] حکومت موقت کارگزاران و دهقانان روسیه تشکیل شد. همچنین، لنین به مسلمانان روسیه اجازه داد کنفرانس مسلمانان روسیه را تشکیل دهند؛ موضوع بحث این کنفرانس تشکیل دولت‌های فدرال و خودمختار اسلامی در نواحی مسلمان‌نشین، از جمله آسیای مرکزی، بود.[۷]

در کنگره اسلامی، که در ماه مه سال ۱۹۱۷ م برگزار شد، لنین حمایت خود را از ایجاد یک جمهوری فدراتیو خودمختار در ترکستان اعلام کرد،[۸] هرچند بعدها مشخص شد جمهوری خودمختار ترکستان تنها بر روی کاغذ استقلال و آزادی دارد زیرا ساختارهای اداری و حکومتی آن برای پیشبرد اهداف روسیه طراحی‌شده بود و عامل مشروعیت و حاکمیت آن اسلحه کمونیست‌ها بود، نه حمایت‌های مردمی و دینی.[۹]

حکومت شورایی ترکستان، که مهاجران روس آن را اداره می‌کردند،[۱۰] در قبال مسلمانان بومی ترکستان،که ۹۵ درصد جمعیت را (در برابر پنج درصد جمعیت مهاجر) تشکیل می‌دادند، سیاست بی‌اعتنایی را در پیش گرفت. این بی‌اعتنایی مفرط واقعیتی بود که رهبران مسکو نیز، در سال ۱۹۱۹ م، به آن انتقاد کردند و بعدها، در منابع وابسته به حکومت شوروی، از اشتباهات اساسی خوانده شد.[۱۱] حاکمیت شورایی ترکستان در مناطقی که جمعیت مهاجران روس کمتر بود نفوذ چندانی نداشت، به‌طوری‌که مسلمانان مناطق گوناگون ترکستان در گردهمایی خود، در دسامبر سال ۱۹۱۷م، در شهر خوقند، تشکیل حکومت ملی– اسلامی دولت خودگردان ترکستان را با مرکزیت خوقند اعلام کردند.[۱۲] بااین‌حال، یک سال بعد، ارتش سرخ شوروی سربازان دولت مسلمان را، در خوقند، شکست داد و مسلمانان را قتل‌عام کرد.[۱۳]

بلشویک‌ها، پس از ناکامی در جبهه غرب (مانند شکست در لهستان،اوکراین و بلاروس)، عملیات جنگی خود را متوجه شرق کردند. طبق برنامه کنگره حزب کمونیست روسیه، مصوب سال ۱۹۱۹م، تصرف آسیای مرکزی زمینه لازم را برای تصرف هندوستان فراهم می‌کرد و شوروی، با تصرف هندوستان، موفق به شکست بریتانیا می‌شد.[۱۴] بلشویک‌ها، طی سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۲م، توانستند قدرت خود را در سراسر منطقه ترکستان تثبیت کنند، چنان‌که ارتش روسیه در سال ۱۹۲۰م، با برچیدن بساط فرمانروایی منغیت‌ها،[۱۵] بخارا را تصرف کرد.[۱۶]

در سال ۱۹۲۲م، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی – با عضویت روسیه، اوکراین، بلاروس و فدراسیون ماوراء قفقاز – تشکیل شد. در زمان لنین، ورود دولت‌های آسیای میانه به این

---

۱. *خاورشناسی در روسیه و اروپا*، ص۲۴۶؛ *شرح آسیای مرکزی و انتشار سیویلیزاسیون روسی در آن، با نقشه ممالک آسیای مرکزی*، ص ۱۲۱و ۱۳۳.

۲ . ر.ک. *ترکستان در تاریخ*، ص۱۶۳؛ *اقدامات روسیه در آسیای مرکزی*، ص۸. رقابت بین روسیه و انگلیس برای تسلط بر آسیای مرکزی به «بازی بزرگ» معروف است؛ این اصطلاح را، نخستین بار، رودیارد کیپلینگ، نویسنده بریتانیایی متولد هندوستان، مطرح کرد(*بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی: زمینه‌ها و چشم‌اندازها*، ص۱۱).

۳ . *خاورشناسی در روسیه و اروپا*، ص۲۲۳–۲۲۵.

۴ . *ترکستان در تاریخ*، ص۲۳– ۲۵؛ *قرقیزها و خانات خوقند*، ص۶۷– ۶۸؛ *گزیده مقالات تحقیقی*، ص۴۱.

۵ . ر.ک. *انقلاب روسیه*، ص۱۶–۱۸؛ *تاریخ روسیه شوروی (انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷–۱۹۲۳)*، ج۱، ص۹۹.

۶ . ولادیمیر ایلیچ لنین، مؤسس حزب کمونیست، عامل اصلی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م و بنیان‌گذار دولت اتحاد جماهیر شوروی است. وی در سال ۱۸۷۰م به دنیا آمد و در سال ۱۹۲۴ م، در نزدیکی مسکو، در گذشت. لنین، علاوه بر اینکه سیاست‌مداری بزرگ بود، متفکر و نویسنده‌ای توانمند در فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک به شمار می‌آمد، چنان‌که آثار فراوانی را، در این خصوص، از خود به‌جا گذاشت.

۷ . ملیت‌های آسیای میانه، ص۱۲۵.

۸. *''The states of Central Asia (second half of nineteenth century to early twentieth century)''*,.P41: *The Bolshevik Revolution*, p473.

۹ . *اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی*، ص 29-27.

۱۰ . *اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز*، ص۱۲۶.

۱۱ . *تاریخ روسیه شوروی (انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷–۱۹۲۳)* ، ج۱، ص۴۰۲–۴۰۸.

۱۲ . همان.

۱۳. *اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی*، ص۲۷.

۱۴ . *تاجیکستان بهای آزادی*، ص۲۲.

۱۵. منغیت‌ها واپسین حکومت از خانات بخارا بودند که در سال ۱۲۰۰ق/۱۷۸۵م حکومت ماوراءالنهر را به دست گرفتند و تا وقوع انقلاب بلشویکی روس‌ها در بخارا (۱۳۱۸ق/۱۹۲۰م) قدرت را دست داشتند(*تاریخ نافع*، ص۱۱۴؛ *تحفه شاهی*، ص ۵۲).

۱۶ . ر.ک. *«ازبکستان»*، ص۲۱.

اتحاد پذیرفته نشد، اما با به قدرت‌رسیدن استالین[1] (۱۹۲۴–۱۹۵۳م)، در پی تجدید نظر گسترده رهبر نظام شوروی، دولت-های منطقه آسیای میانه نیز در سال ۱۹۲۴م، جزء اتحاد جماهیر شوروری قرار گرفتند و، ازاین‌پس، تاریخ این منطقه با تاریخ شوروی پیوند یافت.[2] در این سال، بانفوذ قدرت استعماری روس-ها، تمام تقسیمات کشوری و اداری پیشین منحل شد و جای آن را کشورهای ساختگی – با تاریخ، زبان و هویت مجزا – گرفت، تقسیماتی که، بر اساس آن، برای هر قوم سرزمینی در نظر گرفته شد.[3] این راهبرد به‌منظور هویت‌زدایی تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی مردم این منطقه، وابسته‌کردن این اقوام به حکومت مسکو و ایجاد تفرقه و دوگانگی میان آن‌ها صورت گرفت[4] و همین سیاست بود که اندیشه ایجاد حکومت واحد اسلامی را به اختلاف میان جمهوری‌ها بدل ساخت.[5]

در ۲۷ اکتبر ۱۹۲۴م، جمهوری «ترکمنستان» در سرزمین‌های ماوراء خزر و مناطق غربی و جنوبی خوارزم و جمهوری «ازبکستان» در باقی‌مانده سرزمین‌های ترکستان و خوارزم و بخارا پدید آمد و، در اکتبر همان سال، جمهوری «تاجیکستان» از جمهوری ازبکستان مستقل شد.[6] همچنین، منطقه خودمختار قرا-قرقیز، که بعدها در فوریه سال ۱۹۲۵م جمهوری خودمختار «قرقیزستان» نام گرفت، تشکیل گردید و در آوریل سال ۱۹۲۵ م، نیز جمهوری خودمختار «قزاقستان» اعلام موجودیت کرد.[7]

اتحاد جماهیر شوروری همچنین، با بستن مرزهایش با ایران، ترکیه، افغانستان و سپس چین ارتباط کشورهای آسیای میانه را با دنیای خارج، به مدت هفت دهه، به‌کلی، قطع کرد و همین «پرده آهنین»[8] موجب عقب‌ماندگی و ضعف ایدئولوژیک مردم آنجا شد، به‌گونه‌ای‌که هنوز هم آثار و پیامدهای این سیاست در مردم این منطقه باقی است.[9]

جدول شماره ۱. تقسیمات کشوری ملیت‌های مسلمان در اتحاد جماهیر شوروی[1]

نام کشور	پایتخت	مساحت(به کیلومتر مربع)	سال اشغال به دست روس‌ها	سال تأسیس
ازبکستان	تاشکند	۴۵۰۰۰۰	۱۸۷۳	۱۹۲۴
قزاقستان	آلماآتا	۲۷۵۰۰۰۰	۱۸۶۶	۱۹۲۵
تاجیکستان	دوشنبه	۱۴۳۰۰۰	۱۸۷۳	۱۹۲۴
قرقیزستان	بیشکک	۱۹۸۰۰۰	۱۸۸۶	۱۹۲۵
ترکمنستان	عشق‌آباد	۴۷۷۷۹۰	۱۸۷۳	۱۹۲۴
جمع مساحت جمهوری‌های آسیای مرکزی		۴۰۱۸۷۹۰		

۱ . ژوزف ویساریونوویچ (استالین)، به معنای مرد پولادین، از رهبران حزب کمونیست شوروی است، که پس از مرگ لنین (۱۹۲۴م) زمام امور شوروی را به دست گرفت و تا زمان مرگش (۱۹۵۳م) – حدود سی سال- باقدرت کامل بر روسیه حکومت کرد. جسد استالین را در مقبره لنین، در میدان سرخ مسکو و کنار جسد لنین، دفن کردند ولی پس از افشای جنایات وی در دوره خروشچف، جسد مومیایی‌شده را از کنار مقبره لنین بیرون کشیدند و در گوشه‌ای در پای دیوار کاخ کرملین دفن کردند. (*از لنین تا گورباچف*، ص ۲۶۳–۲۶۴)

۲. *تاریخ روسیه شوروی (انقلاب بلشویکی ۱۹۲۳–۱۹۱۷)*، ج۱، ص۴۰۶؛ *Soviet Anti-religious Policies and the Muslims of Central Asia, 1917-1938*, p89.

۳ . *«هویت ملی و ملت باوری در آسیای مرکزی»*، ص۱۹۸.

۴. *اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی* ، ص۲۹؛ *اسلام و شوروی*، ص ۴۶؛ *Soviet Politics*, p 296

۵. *مصاحبه حضوری با آقای علی کبریایی‌زاده*، مدیر سابق بخش آسیای مرکزی معاونت امور بین‌الملل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۱/۱۲/۴.

۶. تلاش‌های نویسندگانی چون صدرالدین عینی (۱۸۷۸– ۱۹۵۴م) و باباجان غفوروف (۱۹۰۹– ۱۹۷۷ م) در استقلال تاجیکستان بسیار مؤثر بود (ر.ک. *«تاجیکستان درگذر تاریخ»*، ص۳۳؛ *صدر بخارا (تک‌نگاشتی در تحولات سیاسی – اجتماعی بخارای شریف طی نیمه پایانی امارات خانات منغیت)*، ص۸۳).

۷ . *مراسلات در باب آسیای مرکزی*، ص۳۵-۳۶؛ همچنین ر.ک. *تاریخ اسلام*، ص۸۳۲؛ *مسلمانان شوروی: گذشته، حال و آینده*، ص ۷۸. البته، تثبیت حکومت‌های منطقه به طول انجامید، به‌گونه‌ای‌که تشکیل جمهوری سوسیالیستی تاجیکستان را در سال ۱۹۲۹ م و تشکیل جمهوری‌های سوسیالیستی قرقیزستان و قزاقستان را در سال ۱۹۳۶ م نیز گفته‌اند(ر.ک. *اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی* ، ص ۳۰).

۸ . ر.ک: *مسلمانان شوروی: گذشته، حال و آینده*، ص ۱۵۲.

۹. جهاد: *ظهور اسلام پیکارجو در آسیای میانه*، ص۵۲–۵۳.

۲. اسلام‌ستیزی در دوره بلشویک‌ها

در دوران حکومت بلشویک‌ها، مسلمانان منطقه آسیای مرکزی سخت‌ترین آزارها و صدمات را متحمل شدند. جانشینانِ کمونیستِ تزارها - که به فرموده امام خمینی(ره)، در نامه‌اش به گورباچف، «خدازدایی و دین زدایی» از اصلی‌ترین مؤلفه‌های سیاست اجتماعی و فرهنگی آن‌ها بود[۱] - اسلام را با باورهای دین‌ستیزانه خود در تعارض می‌دیدند و آن را خطری مهم برای استحکام حکومت خود، بر سرزمین‌های اسلامیِ امپراتوری روسیه، می‌پنداشتند؛ ازاین‌رو، رهبران بلشویک وعده‌های آغازین خود را مبنی بر آزادی فعالیت‌های دینی،[۲] بسیار زود، زیر پا نهادند[۳] و، با قلع‌وقمع مسلمانان و رهبران مذهبی آن‌ها، مبارزه‌ای همه‌جانبه را علیه دین و فرهنگ اسلامی ترتیب دادند.[۴]

روس‌ها – که دریافته بودند اسلام نیروی عظیمی برای پدیدآوردن مقاومت ملی‌گرایانه مذهبی، در برابر حاکمیت کمونیستی، دارد – اقدامات شدیدی را به‌منظور حذف اسلام در آسیای مرکزی انجام دادند.[۵] از سوی دیگر، مارکسیسم، که مبنای اولیه حکومت بلشویک‌ها بود، هرگونه دین و مذهب را نفی می‌کرد[۶] و این موجب می‌شد روس‌های مارکسیست سیاست اسلام‌زدایی را در مناطق مسلمان‌نشین – به‌طورجدی و از طریق فعالیت‌های ضد دینی، تغییر نظام آموزش‌وپرورش، نفی ساختارهای مذهبی و سنتی پیشین، تبعید مسلمانان به مناطقی چون سیبری[۷] و ساکن‌کردن جمعیت روس در مناطق اسلامی به‌جای آنان، قتل و کشتار مسلمانان[۸] و ویران کردن مساجد و مراکز اسلامی– پیگیری کنند.

کشتار مسلمانان

تنها دو سال پس از انقلاب بلشویکی، کمونیست‌ها قتل و غارت را در سرزمین‌های اسلامی آغاز کردند،[۹] به‌گونه‌ای‌که، با سرکوب و قتل‌عام مسلمانانی که از دین و فرهنگ خود حمایت می‌کردند، در این منطقه فاجعه‌ای دیگر را، همانند حمله مغولان، رقم زدند.[۱۰]

در روزهای ننگین و خونین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ م، سرکرده‌های ارتش شوروری به قتل و کشتار هزاران مسلمان دست زدند.[۱۱] بنا به گفته کارشناسان، ۱/۵ میلیون نفر، یعنی حدود یک‌سوم جمعیت قزاقستان، در جریان مهاجرت و گرسنگی سال ۱۹۳۰ م، که به‌طور عمده ناشی از کشتارهای سال‌های قبل بود، از دست رفتند.[۱۲] در جریان تشکیل حکومت خودمختار ترکستان نیز هزاران مسلمان در تاشکند کشته شدند.[۱۳] روس‌ها، علاوه بر قتل و کشتار مقاومت‌کنندگان، سایر بازماندگان را نیز مورد استثمار قرار می‌دادند.[۱۴] دکتر *شادمان یوسف*، از تاجیکانی که خود با کمونیست‌ها به مبارزه پرداخته است و نخستین رئیس حزب دموکرات تاجیکستان، می‌نویسد: «به شهادت پروفسور تئودورف (استاد شیمی)، در بسیاری از کارهای تولید سلاح‌های شیمیایی شوروی، مسلمانان آسیای مرکزی را به کار گرفتند. بسیاری از مردم در این کارخانه‌ها مردند و این بزرگ‌ترین نشانه تروریسم

---

۱ . *آوای توحید: نامه امام خمینی سلام‌الله‌علیه به گورباچف و شرح نامه*، ص۹.

۲ . ر.ک. *تاریخ اسلام*، ص۸۱۵-۸۱۶؛ *اسلام و شوروی*، ص ۲۷؛ *مسئله اقلیت‌های ملی در شوروی*، ص ۱۴۷؛ *ملیت‌های آسیای میانه*، ص۱۲۵-۱۲۷؛ *مسلمانان در اتحاد شوروی*، ص ۲۴-۲۶.

3. " *The Bolsheviks and Islam*", p47.

۴ . *تاریخ اسلام*، ص ۸۱۶ و ۸۲۰؛ *اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز* ، ص ۱۰۹؛ *آسیای میانه(مجموعه مقالات تاریخی)*، ص۱۷۸- ۱۷۹؛ *مبارزات خلق مسلمان ترکستان بر ضد استعمار سرخ شوروری و چین*، ص ۸۵؛ *اسلام در روسیه: سیاست‌های هویتی و امنیتی*، ص ۶۹؛ *Bolshevism in Turkestan, 1917-1927* , p 17-19.

۵ . *جهاد: ظهور اسلام پیکارجو در آسیای میانه*، ص۵۶.

۶ . *اسلام و شوروی*، ص ۵-۶؛ *مسلمانان شوروی: گذشته، حال و آینده*، ص ۸۳.

۷ . ر.ک. سال‌های *حاکمیت*، ص۲۷۸؛ *مذهب در شوروی*، ص ۱۶و۲۰-۲۱.

۸ . اقدامات کمونیست‌ها برای اسکان مهاجران و استقرار مستعمره‌نشین‌های روس بسیار گسترده بود، به‌طوری‌که در سال ۱۹۷۹ م حدود ۱۳۷۰۰۰۰ روسی در جمهوری‌های مسلمان‌نشین آسیای مرکزی حضور داشتند (*اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز*، ص۱۲۹). در سال‌های بعد بر این تعداد افزوده شد، به‌طوری‌که ده سال بعد، یعنی در سال ۱۹۸۹ م، تنها در شهرهای ازکستان حدود دو میلیون روس مهاجر زندگی می‌کردند (*تاجیکستان بهای آزادی*، ص ۵۱).

۹ . ر.ک. *تاریخ نافع*، ص ۶۹- ۷۱.

۱۰ . *تاجیکستان بهای آزادی*، ص ۲۲.

۱۱ . همان، ص ۳۲؛ *اسلام و شوروی*، ص ۳۲-۳۳؛ *مسئله اقلیت‌های ملی در شوروی*، ص۱۵۷.

۱۲ . *جهاد: ظهور اسلام پیکارجو در آسیای میانه*، ص ۵۴.

۱۳. *The New Central Asia: The Creation of Nations* ,p44.

۱۴ . ر.ک. *صدر بخارا (تک‌نگاشتی در تحولات سیاسی – اجتماعی بخارای شریف طی نیمه پایانی امارات خانات منغیت)*، ص۲۴-۲۵.

دولتی علیه مسلمانان آسیای مرکزی است، که از سال ۱۹۲۰ آغاز شد و تا مدت‌ها تداوم داشت.»[۱]

تخریب و تعطیلی مساجد و مدارس دینی

مبارزه سرسختانه بلشویک‌ها با مسلمانان به‌صورت تخریب و بستن مساجد و مدارس دینی و سرکوب همه فعالیت‌های مذهبی آشکار شد[۲] و این سیاست اسلام‌ستیزانه در طول دوران حکومت آن‌ها ادامه یافت. بر اساس آمارهای موجود، تعداد مساجدی که در آسیای مرکزی زیر فشار شوروی، در سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۹م، بسته شد حدود چهار هزار باب بود.[۳] همچنین، از ۲۶ هزار مسجدی که در سال ۱۹۱۷م فعالیت می‌کرد تنها هزار باب تا سال ۱۹۷۸م باقی ماند[۴] و این تعداد نیز در سال‌های بعد کاهش یافت،[۵] به‌گونه‌ای‌که در سال ۱۹۸۲م شمار کل مساجد اتحاد جماهیر شوروی به حدود ۴۵۰ باب رسید.[۶] برای نمونه، شهری بزرگ و تاریخی چون تاشکند، با جمعیتی دومیلیون‌نفری، درمجموع دوازده مسجد داشت.[۷]

از هزاران مدرسه اسلامی نیز، که در سال ۱۹۱۷م فعالیت می‌کردند،[۸] در سال ۱۹۸۲م، تنها دو مدرسه و حوزه دینی باقی ماند: یکی مدرسه میرعرب در بخارا[۹] و دیگری مدرسه امام اسماعیل بخاری در تاشکند.[۱۰] در این میان، مدرسه میرعرب ناگزیر هرسال تنها ۲۵ طلبه می‌پذیرفت و درخواست چهارصد داوطلب دیگر را رد می‌کرد.

دولت کمونیستی شوروی برای رویگردانی مردم از اسلام مبالغ هنگفتی هزینه می‌کرد؛ استادان و مدیران مدارس، پایان هرسال، آمار مسلمانانی را که از دین و مذهب خویش برگشته بودند ارائه می‌دادند و بر اساس آن پاداش می‌گرفتند.[۱۱]

کمونیست‌ها، برای آنکه عقاید دینی و مذهبی را به‌طور کامل از خاطر مسلمانان بزدایند، ضمن ممنوع کردن آموزش‌های دینی درملأعام، با فعالیت مبلغان مذهبی نیز مقابله کردند. شمار مبلغان و متصدیان امور مذهبی و دینی که هم‌زمان با انقلاب ۱۹۱۷ م به ۴۵ هزار نفر می‌رسید، در سال ۱۹۵۵ م به هشت هزار نفر کاهش یافت و این رقم در سال ۱۹۸۲ م بسیار کمتر شد،[۱۲] به‌گونه‌ای‌که در سال‌های پایانی تنها دویست نفر روحانی قادر به فعالیت بودند و بقیه یا در تبعید و زندان به سر می‌بردند، یا فعالیت آنان ممنوع شده بود.[۱۳]

توقف چاپ کتب مذهبی و زبان عربی

فعالیت‌های ضد مذهبی در همه حوزه‌ها، از جمله چاپ و نشر، نیز وجود داشت.[۱۴] در دوران بلشویک‌ها داشتن قرآن در هر منزل نوعی جرم غیرقابل گذشت محسوب می‌گشت و خانواده‌های مسلمان برای مصون‌ماندن از گزند مأموران دولتی قرآن‌ها را داخل صندوق‌ها نگهداری می‌کردند. در این دوران عملاً انتشارات مذهبی وجود نداشت؛ به‌طوری‌که تا سال ۱۹۴۴م دولت شوروی حتی یک‌بار هم اجازه چاپ کتاب‌های اسلامی از جمله قرآن را نداد. در سال ۱۹۴۴م هم برای ترغیب مسلمانان به مقابله با آلمان‌ها تعداد محدودی قرآن چاپ کردند و به هر شهر چند جلد فرستادند.[۱۵] از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۸۲م فقط شش بار قرآن کریم به چاپ رسید و هیچ‌گونه مجوزی برای ترجمه و تفسیر آن به زبان‌های دیگر داده نمی‌شد.[۱۶] در برابر، هزاران کتاب و جزوه ضد اسلامی به زبان‌های گوناگون و برای اقشار گوناگون چاپ می‌شد و رشته‌های ضد مذهبی، یکی پس از دیگری، راه‌اندازی می-

---

۱ . *تاجیکستان بهای آزادی*، ص ۲۷.

۲ . *اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز*، ص ۱۰۹؛ *صدر بخارا (تک‌نگاشتی در تحولات سیاسی – اجتماعی بخارای شریف طی نیمه پایانی امارات خانات منغیت)*، ص ۴۰.

۳ . *تاریخ اسلام*، ص ۸۲۷.

۴ . *اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز*، ص ۱۱۲.

۵ . ر.ک. *امپراطوری فروپاشیده*، ص ۲۵۶.

۶ . *اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی*، ص ۳۲.

۷ . همان، ص ۳۳. همچنین ر.ک. *جهاد: ظهور اسلام پیکارجو در آسیای میانه*، ص ۵۶. شیخ عبدالرحمان کتانی، معاون گردهمایی علمای مراکش، در مجمع مذهبی مسلمانان،در سال ۱۹۷۶م، با دیدن وضع ناراحت‌کننده مساجد در تاشکند و مقایسه آن‌ها با ساختمان‌های ورزشی و سینماها و...، که دولت در بنای آن‌ها با گشاده‌دستی سرمایه‌گذاری کرده بود، خطاب به مطبوعات شوروی گفت:«کاش شما همان توجهی را که به نیازهای ورزشی و فرهنگی نشان می‌دهید به نیازهای مسلمانان به تأسیس مساجد نیز نشان می‌دادید» (*اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز*، همان).

8. *The states of Central Asia (second half of nineteenth century to early twentieth century)* ''.P 96

۹ . مدرسه میر عرب در سال ۹۳۵ق(۱۵۲۹م) تأسیس شد و دارای یک‌صد حجره بود (*ترکستان در تاریخ*، ص ۱۰۶).

۱۰ . *اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی*، ص ۵۷.

۱۱ . *تاجیکستان بهای آزادی*، ص ۳۵.

۱۲ . همان، ص ۱۳۳.

۱۳ . «*نقش اسلام در آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی*»، ص ۱۹۸.

۱۴ . *تاریخ اسلام*، ص ۸۲۵.

۱۵ . *اسلام* و شوروی، ص ۱۸.

۱۶ . *اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز* ، ص ۱۳۴.

گردید، چنان‌که در سال ۱۹۸۱م از ۱۹۵ کتاب ضد دینی چاپ‌شده ۲۴ درصد ضد اسلامی بود.[۱]

بلشویک‌ها، که از ابتدا جنگی بی‌وقفه را بر ضد آموزش زبان عربی و بهره‌گیری مسلمانان از خط عربی آغاز کرده بودند، الفبای مسلمانان را در سال ۱۹۲۸م از عربی به لاتین و در سال ۱۹۴۰م به روسی تبدیل کردند.[۲] سپس قانونی تصویب کردند که بر اساس آن هر کس کتابی با خط غیر روسی داشت یا خطی غیر از خط روسی را به فرزندانش می‌آموخت به‌شدت مجازات می‌شد. همچنین، اعلام کردند هر کس قادر به خواندن خط روسی نباشد بی‌سواد محسوب می‌شود. در نتیجه این فعالیت‌ها، زبان روسی در بسیاری از مناطق اسلامی فراگیر شد[۳] و بسیاری از فرهنگ‌های بومی، که با خط و زبان عربی و فارسی گره‌خورده بود، به فراموشی گرایید.[۴]

لغو حجاب و وقف

از دیگر فعالیت‌های ضد دینی کمونیست‌ها، در آسیای مرکزی، تلاش برای برداشتن حجاب زنان بود. در هشت مارس سال ۱۹۲۷م،که به «روز بین‌المللی زنان» موسوم شده بود، سازمان کمونیست‌های ازبک به مبارزه باحجاب پرداخت و زنان را مجبور به برداشتن چادر کرد، هر چند این مبارزه، با وجود همه تلاش‌های حزب کمونیست، نتیجه‌ای در پی نداشت.[۵]

پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م، رژیم بلشویک، با ملی اعلام کردن موقوفات منطقه آسیای مرکزی، این اموال و املاک را میان دهقانان توزیع کرد. مقامات شوروی، هر چند در سال ۱۹۲۲م اوقاف ملی شده را باز پس دادند، در سال ۱۹۳۰م، بار دیگر تمام اموال وقف‌شده را مصادره و اداره اوقاف را تعطیل اعلام کردند. بدین ترتیب،روس‌ها یکی از قدیمی‌ترین نهادهای حقوقی و اجتماعی مسلمانان آسیای مرکزی را از میان بردند.[۶]

کمونیست‌ها، گرچه با تبلیغات فراوان اسلام را مخالف پیشرفت و توسعه و سدی در برابر اعتلای اتحاد جماهیر شوروی عنوان می‌کردند، به طور همزمان، با استفاده از وسایل ارتباط‌جمعی، می‌کوشیدند افکار عمومی مردم جهان را بفریبند و تصویری مناسب را از وضعیت مسلمانان منطقه به جهانیان نشان دهند.[۷]

اسلام‌ستیزی روس‌ها در دوره استالین

سیاست اسلام‌ستیزی روس‌ها در دوره استالین آشکار و بارز شد؛ در سال‌های آغازین حکومت بلشویک‌ها، حکومت شوروی تلاش می‌کرد مسلمانان را متقاعد سازد که، در سایه قانون‌گذاری سوسیالیستی، حقوق مذهبی مسلمانان بهتر از دوران تزارها مورد حمایت قرار خواهد گرفت.[۸] لنین، خود، از فعالان ترویج چنین نظریه‌ای بود، که بر اساس آن مسلمانان اجازه می‌یافتند برخی از مساجد و مراکز دینی خود را، که ارتش سرخ تخریبشان کرده بود، بازسازی کنند،[۹] هرچند این سیاست تداوم نداشت.

هنگامی‌که استالین در سال ۱۹۲۴م با سیاست‌های خاص خود به پیروزی رسید، به دین و مذهب مسلمانان به‌شدت حمله کرد. وی در پیشبرد هدف خویش تنها به تبلیغات اکتفا نکرد بلکه به فعالیت‌های عملی پرداخت، که از آن جمله می‌توان به تغییر تعطیلی از روز جمعه به یکشنبه، جلوگیری از انجام گرفتن تکالیف شرعی مسلمانان همچون نماز و روزه و منحل‌کردن دادگاه‌های شرعی اشاره کرد.[۱۰] در دسامبر سال ۱۹۱۷م، رژیم بلشویک دادگاه‌های شرعی را تعطیل کرد که، به دلیل مخالفت و اعتراض مردم، این دادگاه‌ها بار دیگر در سال ۱۹۲۱ م فعالیت خود را از سر گرفت، اما سرانجام، در دسامبر سال ۱۹۲۷ م، استالین فرمانی را صادر کرد که به‌موجب آن تمام دادگاه‌های شرعی تعطیل شد،[۱۱] به‌طوری‌که محاکم شرعی ازبکستان – که شمار آن‌ها در سال ۱۹۲۵ م، به نوشته منابع، ۸۷ شعبه بود– در عرض سه سال، تا سال ۱۹۲۸م، به‌طورکلی، بسته شد.[۱۲]

در زمان استالین هزاران مسلمان زیر شکنجه‌های شدید قرار گرفتند یا به قتل رسیدند. ازاین‌رو، مردم کتاب‌های دینی خود را

---

۱ . «*نقش اسلام در آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی*»، همان.

۲ . *آسیای میانه(مجموعه مقالات تاریخی)*، ص۱۷۸–۱۷۹؛ *مسئله اقلیت‌های ملی در شوروی*، ص ۱۴۴؛ *حکومت مسکو و مسأله مسلمانان آسیای مرکزی شوروی*، ص۱۲۹؛ *اسلام و شوروی*، ص ۶۱.

۳ . *حکومت مسکو و مسأله مسلمانان آسیای مرکزی شوروی*، ص ۱۳۴–۱۳۵ .

۴ . *مبارزات خلق مسلمان ترکستان بر ضد استعمار سرخ شوروری و چین*، ص ۵۱–۵۲.

۵ . *تاریخ اسلام*، ص ۸۲۸– ۸۲۹.

۶ . *اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی*، ص ۳۰ – ۳۱؛ *خوارزم سرخ: جنیدخان، بلشویک‌ها و سقوط خانات خیوه ۱۹۲۴–۱۹۱۰م*، ص ۴۵.

۷ . *اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز*، ص ۱۳۲.

۸ . رهبران بلشویک می‌دانستند برای تبلیغ اصول انقلابی خود نیازمند پشتیبانی توده‌های وسیع مردم‌اند؛ ازاین‌رو، لازم بود تأیید مردم ستم‌کشی را که بیشترشان مسلمان بودند جلب کنند. این‌چنین، بلشویک‌ها می‌توانستند، با تظاهر به طرف‌داری و حمایت از این مردم ستمدیده، وضع تازه‌ای را به وجود آوردند (*تاریخ اسلام*، ص ۸۱۵).

۹ . همان، ص ۸۱۵– ۸۱۶.

۱۰ . *مراسلات در باب آسیای مرکزی*، ص ۳۶؛ *اسلام در روسیه: سیاست‌های هویتی و امنیتی*، ص۷۰ و ۷۸؛ *اسلام و شوروی*، ص ۸۸–۸۹.

۱۱ . *اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی*، ص ۳۱.

۱۲ . *تاریخ اسلام*، ص ۸۲۶.

نابود یا در جرز دیوارها و زیرزمین‌ها پنهان می‌کردند تا مبادا به مخالفت با حکومت شوروی متهم شوند. بااین‌حال تعداد فراوانی از مسلمانان نیز به بازداشتگاه‌های نامعلومی در سیبری برده شدند تا در آنجا اعدام شوند.[۱] بر اثر این فشارها، تا پایان سال ۱۹۲۰م، بیش از یک‌میلیون مسلمان فقط به کشور افغانستان مهاجرت کردند[۲] و امواج مهاجرت به هند، ترکیه و دیگر کشورهای خاورمیانه نیز رسید.[۳]

از سال ۱۹۲۵م، مقامات شوروی سازمان‌هایی مانند«بی‌خدایان مبارز»[۴] و «اتحادیه متعصبان بی‌دین»[۵] را تأسیس کردند تا الحاد را، به‌صورت علمی، پیش ببرند و دین را ریشه‌کن کنند.[۶] همچنین، در ادامه اقدامات اسلام‌ستیزانه خود، در سال ۱۹۳۵ م، مسلمانان را، از بیم برقراری ارتباط با دیگر مسلمانان جهان، از شرکت در مناسک سالانه حج نیز منع کردند.[۷]

پس از آغاز جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ – ۱۹۴۵ م) و تهاجم آلمان به شوروی، در سال ۱۹۴۱ م، نازی‌ها، با تبلیغات فراوان، موفق شدند ده‌ها هزار نفر از مردم آسیای مرکزی را به ترک‌گفتن ارتش شوروی و پیوستن به اردوگاه آلمان و نبرد با کمونیست‌های ضد دین ترغیب کنند؛ این امر موجب شد استالین، برای کسب رضایت مسلمانان و بهره‌گیری ازاحساسات مذهبی آنان در دفاع از کشور و جلوگیری از گسترش پیروزی دشمن، فشارها را بر مسلمانان منطقه کاهش دهد،[۸] هرچند پس از جنگ بار دیگر، سرکوب مسلمانان از سر گرفته شد[۹] و اجرای برنامه‌های ضد دینی افزایش یافت؛ چنان‌که در سال ۱۹۴۹ روز یکشنبه به‌جای جمعه تعطیل عمومی شد و در همین سال موزه ضد دین اسلام در تاشکند راه‌اندازی شد .[۱۰]

استمرار سیاست اسلام‌ستیزی روس‌ها در دوره خُروشچِف

پس از استالین، رهبران شوروی به‌تدریج شیوه‌های پیچیده‌تری را برای رویارویی با اسلام در پیش گرفتند؛ خروشچِف[۱۱] (۱۹۵۶–۱۹۶۴م)، جانشین استالین، روشی خلاف وی در پیش گرفت. او وزارت امنیت زمان استالین را منحل و، به‌جای آن، در سال ۱۹۵۴م، کمیته امنیت دولت (کا. گ. ب) را تأسیس کرد. وی، برخلاف استالین که مخالف برابری ملت‌ها بود و ملت روس را برتر از همه ملت‌های تابع می‌دانست، آزادی ملیت‌ها را در شوروی اعلام کرد و خواهان تساوی حقوق آن‌ها شد.[۱۲] در اوایل دوره خروشچف، مقامات شوروی ، که می‌کوشیدند حمایت دنیای اسلام را از سیاست خارجی خود به دست آورند، برای اینکه نشان دهند با اسلام و مسلمانان مدارا می‌کنند، خط‌مشی جدیدی با عنوان «اسلام رسمی»، یعنی اسلام تحت نظارت و در اختیار دولت، در پیش گرفتند و در این راستا، خود مراکزی[۱۳] برای اداره امور مسلمانان ایجاد کردند تا بتوانند فعالیت‌های مذهبی مسلمانان را زیر سلطه و نظر گیرند.[۱۴]

البته، این تصمیمات بدین معنا نبود که خروشچف با اسلام و مسلمانان دشمنی نداشت. او در سال‌های ۱۹۵۹– ۱۹۶۴م دومین مرحله از اسلام‌ستیزی را در آسیای میانه به راه انداخت و اسلام را خطرناک‌ترین تهدید برای ایدئولوژی مارکسیسم – لنینیسم معرفی کرد، به‌طوری‌که این دوره را می‌توان از شدیدترین دوره-

---

۱ . *مبارزات خلق مسلمان ترکستان بر ضد استعمار سرخ شوروری و چین*، ص ۵۴–۵۵؛ *سرگذشت ترکستان یا کارنامه سیاه روس و چین*، ص ۱۶۸؛ *اسلام و شوروی*، ص ۶۵–۷۰.

۲ . ر.ک. *تاریخ نافع*، ص ۹۷.

۳ . «تجدید حیات در آسیای مرکزی»، ص ۱۹۶– ۱۹۷؛ *مبارزات خلق مسلمان ترکستان بر ضد استعمار سرخ شوروری و چین*، ص ۵۷.

4.Militant Godless

5.Union of Godless Zealots

۶ . *اسلام در روسیه: سیاست‌های هویتی و امنیتی*، ص۷۶–۷۷.

۷ . *اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی*، ص ۳۱؛ *مبارزات خلق مسلمان ترکستان بر ضد استعمار سرخ شوروری و چین*، ص ۵۲ و ۷۸.

۸ . *تاریخ اسلام*، ص ۸۲۹ – ۸۳۱؛ *اسلام در روسیه: سیاست‌های هویتی و امنیتی*، ص ۷۹–۸۰؛ *اسلام و شوروی*، ص ۷۳.

۹ . *اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز*، ص ۱۱۰؛ *جهاد: ظهور اسلام پیکارجو در آسیای میانه*، ص۵۶– ۵۷؛ *مذهب در شوروی*، ص۲۸.

۱۰ . *اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی*، ص ۵۵، *اسلام و شوروی*، ص ۸۸.

۱۱ . نیکیتا سرگیویچ خروشچف از رهبران حزب کمونیست بود. او، نخست، در سیاست داخلی و خارجی، برخلاف استالین، شیوه همزیستی مسالمت‌آمیز را در دستور کار خود قرار داد، اما بسیار زود سیاست خود را در قبال مسلمانان آسیای مرکزی تغییر داد و فشار بر مسلمانان منطقه را از سر گرفت.

۱۲ . *مراسلات در باب آسیای مرکزی*، ص ۳۶؛ *جهاد: ظهور اسلام پیکارجو در آسیای میانه*، ص ۵۷.

۱۳ . هیئت مذهبی مسلمانان آسیای میانه(Spritual Board of Central Asian Muslims (SADUM)) و انیستیتوی عالی امام بخاری در تاشکند از جمله این مراکز بودند.(*اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی*، ص ۳۱–۳۲؛ *جهاد: ظهور اسلام پیکارجو در آسیای میانه*، ص ۵۷؛ *اسلام در شوروی*، ص ۸۴)

۱۴ . *تاریخ اسلام*، ص ۸۲۳–۸۲۴؛ *جهاد: ظهور اسلام پیکارجو در آسیای میانه*، ص ۵۳.

های شکل‌گیری حرکت‌های ضد اسلامی در تاریخ اتحاد جماهیر شوروی دانست.[۱]

خروشچف در سال ۱۹۶۱م فرمانی را درباره نظارت بر مراسم مذهبی صادر کرد، که بر اساس آن بر اقدامات روحانیون به‌شدت نظارت می‌شد،[۲] هرچند مقامات شوروی، با مشاهده همبستگی مسلمانان، به این نیز بسنده نکردند و به برخورد شدید با امور مذهبی پرداختند. آنان، در دهه هفتاد، بارها به اقدامات ضد اسلامی دست زدند، که تعطیل‌کردن مساجد، تشویق به الحاد، تبلیغات ضد اسلامی و ارتجاعی اعلام‌کردن اسلام از آن جمله بود.[۳]

در اوایل دهه شصت میلادی، مجمع منکران خدا، در دانشکده تاریخ دانشگاه مرکزی تاشکند، تأسیس شد.[۴] از سال ۱۹۶۳م، فیلم‌ها، نمایشنامه‌ها و تصاویر ضد اسلامی در جمهوری‌های مسلمان‌نشین اتحاد جماهیر شوروی به شکلی گسترده توزیع شد و در شهرهای گوناگون آسیای مرکزی مراکز ضد دینی پدید آمد. برای نمونه، موزه‌ای با رویکرد انکار خدا در شهر بخارا، در مسجدی باستانی نزدیک مقبره صوفیان نقش‌بندی، گشایش یافت. همچنین، جریانی متعصب برای بستن مساجد باقی‌مانده، که تعداد آن‌ها به ۱۵۰۰ باب می‌رسید، شکل گرفت، به‌طوری‌که بیشتر مساجد بزرگ شهری و تقریباً تمام مساجد روستایی بسته شد.

تعدیل سیاست اسلام‌ستیزی روس‌ها از دوره برژنف تا گورباچف

از دوره حکومت لئونید برژنف(۱۹۶۴-۱۹۸۲م)، منافع سیاست خارجی شوروی باعث تغییر رویکرد کمونیست‌ها نسبت به اسلام شد و درنتیجه آن آهنگ حرکت ضددینی بلشویک‌ها کندتر گردید. در اکتبر ۱۹۶۴م حزب کمونیست بیانیه‌ای صادر کرد که در آن بدرفتاری با روحانیون محکوم‌شده بود. همچنین برخی روحانیون از زندان آزاد شدند. تفاوت اساسی میان سیاست دوره خروشچف و برژنف آن بود که در دوره برژنف بر گسترش فلسفه بی‌دینی تا رویارویی مستقیم با دین تأکید می‌شد.[۵] البته سیاست کنترل مذهبی با شدت بیشتری ادامه یافت و طبق قانون اساسی مصوب ۱۹۷۷ م (اصل پنجاه و دوم) نیایش تنها در مراکز مذهبی و مساجد ثبت‌شده و قالب حدود مشخص امکان‌پذیر بود.[۶]

در دوره میخائیل گورباچف (۱۹۸۵ –۱۹۹۱م) سیاست‌های دینی و مذهبی کمونیست‌ها، در نتیجه اصلاحات سیاسی وی موسوم به گلاسنوست (Glasnost : فضای باز سیاسی) تعدیل شد،[۷] روش‌های ملایم‌تری در قبال مسلمانان در پیش‌گرفته شد و محدودیت‌های آنان کاهش یافت؛ در نتیجه، مردم منطقه، که فشار و آزار کمتری را بر خود احساس می‌کردند، خواستار آزادی‌های بیشتری شدند. همه این موارد سبب اتحاد مسلمانان و تجدید حیات اسلام در آسیای مرکزی شد و مسلمانان رفته‌رفته احترام و اعتماد خویش را به دست آوردند.[۸]

در این دوره، پس از هفتادسال توقف و محدودیتِ ساخت مراکز دینی و اسلامی، با تصویب رسمی مقامات شوروی، تعدادی مسجد جدید بنا شد. در سال ۱۹۹۰م، تعداد مساجد قزاقستان به پنجاه باب، ترکمنستان به سی باب، تاجیکستان به چهل باب و ازبکستان به نود باب رسید، درحالی‌که پیش از آن، در سال ۱۹۸۹ م، در قزاقستان پانزده باب، در ترکمنستان پنج باب، در تاجیکستان هفده باب و در ازبکستان ۳۷ باب مسجد وجود داشت. به‌عبارت‌دیگر، ساخت مساجد در بسیاری از مناطق بیش از سه برابر شده بود. در شهر تاشکند نیز، که پیش از سال ۱۹۸۹ م تنها دو مسجد داشت، سی مسجد ساخته شد. درمجموع، تا اکتبر ۱۹۹۱ م، در هر جمهوری، بیش از هزار مسجد جدید بنا گردید و همچنین مراکز و مدارس مذهبی بازسازی شد.[۹]

انفجار دفعی علاقه به اسلام در این دوره چنان حیرت‌انگیز بود که مقامات شوروی را بهت‌زده کرد و این امر حاکی از نفوذ اسلام

---

۱ . *اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی*، ص۳۳-۳۴؛ *اسلام در روسیه: سیاست‌های هویتی و امنیتی*، ص۸۲.

۲ . *اقوام مسلمان اتحاد جماهیر شوروی*، ص ۱۴۶.

۳ . *اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی*، ص۳۱.

۴ . انجمن‌های «بی‌خدایان» یا «منکران خدا» از سال ۱۹۲۶ م در تاتارستان و باشکیرستان تأسیس شد. این انجمن‌ها،در نشریات خود، اسلام را موردحمله قرار می‌دادند. رهبر این نهضت، کمونیست مشهور، «یِلمیان یاروسُلاوشکی» بود (*تاریخ اسلام*، ص ۸۲۶).

۵ . *اسلام در روسیه: سیاست‌های هویتی و امنیتی*، ص۸۳.

۶ . *تحولات سیاسی در اتحاد شوروی از برژنف تا گورباچف*، ص۱۸۳.

۷ . *اسلام در روسیه: سیاست‌های هویتی و امنیتی*، ص۹۲. البته این‌گونه نبود که گورباچف با اصلاحات خود در پی بهبود وضع مسلمانان باشد؛ او، در دیداری که با اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست ازبک داشت، چنان سخنان خصومت‌آمیزی درباره اسلام بر زبان آورد که در روزنامه‌های محلی درج نگردید، اما در ادامه چاره‌ای جز تعدیل سیاست‌های خود در قبال مسلمانان ندید (*اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی*، ص ۵۶؛ *از لنین تا گورباچف*، ص ۳۵۵-۳۵۶).

۸ . *اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی*، ص ۳۸.

۹ . *«تجدید حیات در آسیای مرکزی»*، ص ۲۰۱.

در میان مردم بود. در واقع، هرچه روس‌ها برای نابودی اسلام بیشتر تلاش کرده بودند اسلام بیشتر نشر یافته بود.[۱]

۳. واکنش مسلمانان

هرچند مسلمانان آسیای مرکزی، پس‌ازآنکه سرزمین خود را در اشغال روس‌ها دیدند، دوران بسیار دشواری را گذراندند، با مقاومتی ستودنی در برابر تهاجم کمونیست‌ها، به دین و عقیده خود – ولو در قالب سنتی و فردی خود– پایبند ماندند[۲] و، با پشتوانه همین مقاومت، توانستند، پس از هفتادسال سلطه روس‌ها (۱۹۱۷-۱۹۹۱م) و تبلیغات کمونیستی آنان، دین اسلام را در این منطقه حفظ کنند.[۳]

بررسی وضعیت مردم آسیای مرکزی، قبل و پس از فروپاشی شوروی، نشان می‌دهد که بلشویک‌ها، با وجود همه تلاش‌ها و تبلیغات ضد اسلامی‌شان، در حذف اسلام از زندگی مردم آسیای مرکزی چندان موفق نبوده‌اند،[۴] به‌طوری‌که جمعیت مسلمانان در منطقه آسیای مرکزی، نه‌تنها کاهش نیافته،[۵] همواره رو به افزایش بوده‌است.[۶]

جدول ۲. رشد جمعیت مسلمانان آسیای مرکزی در دوران اتحاد جماهیر شوروی (تعداد جمعیت به هزار)[۱]

سال / جمهوری	۱۹۵۹			۱۹۷۰			۱۹۷۹		
	جمعیت	**تعداد مسلمانان**	**درصد**	**جمعیت**	**تعداد مسلمانان**	**درصد**	**جمعیت**	**تعداد مسلمانان**	**درصد**
ازبکستان	۸۱۱۹	۶۵۳۵	۸۰/۵	۱۱۱۷۹	۹۷۸۷	۸۲/۹	۱۵۳۸۰	۱۳۰۹۹	۸۵/۲
قزاقستان	۹۲۹۵	۳۲۷۸	۳۵/۳	۱۳۰۰۹	۵۰۱۸	۳۸/۶	۱۴۶۸۴	۶۲۴۱	۴۲/۵
تاجیکستان	۱۹۸۲	۱۶۲۴	۸۱/۹	۲۹۰۰	۲۴۶۸	۸۵/۱	۳۸۰۶	۳۲۸۵	۸۶/۳
قرقیزستان	۲۰۶۶	۱۱۷۹	۵۷/۱	۲۹۳۳	۱۷۸۱	۶۰/۷	۳۵۲۹	۲۳۰۵	۶۵/۳
ترکمنستان	۱۵۱۶	۱۱۶۹	۷۷/۱	۲۱۵۹	۱۷۲۸	۸۰	۲۷۶۵	۲۲۸۳	۸۲/۶
جمع	۲۶۶۷۶	۱۶۴۷۰	۶۱/۷	۳۷۹۱۷	۲۴۷۹۸	۶۵/۴	۴۶۱۹۱	۳۲۲۲۶	۶۹/۸

---

۱ . جهاد: *ظهور اسلام پیکارجو در آسیای میانه*، ص ۶۱-۶۲و ۷۵؛ *تحولات سیاسی در اتحاد شوروی از برژنف تا گورباچف*، ص ۱۸۶-۱۸۷.

۲ . جهاد: *ظهور اسلام پیکارجو در آسیای میانه*، ص ۶۱-۶۲و ۷۵.

۳ . *اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی*، ص۱۶؛ *مبارزات خلق مسلمان ترکستان بر ضد استعمار سرخ شوروری و چین*،ص ۵۵؛ *مسئله اقلیت‌های ملی در شوروی*، ص۱۵۸-۱۵۹.

۴ . «*تجدید حیات در آسیای مرکزی*»، ص ۱۹۷؛ *خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه)*، ص۱۴.

۵ . غَفارُف، رهبر کمونیست‌های ترکمنستان، در سال ۱۹۷۳م، می‌گوید:«در جمهوری ما شمار کسانی که در مراسم دینی شرکت می‌جویند سیر نزولی نیافته است؛ ازاین‌رو، به کوششی سرسختانه و پیگیر بر ضد مذهب (اسلام) نیاز داریم» (ر.ک. *اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز*، ص ۱۳۷ -۱۳۸).

۶ . *استقامت اسلام در شوروی*، ص ۱۳.

در مقابل یورش کمونیست‌ها و سیاست اسلام‌ستیزیِ دولت مرکزیِ اتحاد جماهیر شوروی مردم آسیای مرکزی به دو شیوه مقاومت کردند:

۱. پایداری و ستیز آشکار در برابر کمونیست‌ها، که به برپایی جنبش‌هایی نظیر «مقاومت خلق ترکستان»[۱] و جنبش «باسماچیان»[۲] منجر شد.

۲. اهتمام به صیانت اسلام، که در دفاع از هویت ملی و اسلامی و نیز تقویت یکپارچگی خود تجلی یافت.[۳] مبارزات مردم آسیای مرکزی، در مقابل بلشویک‌ها، دفاع از هویتی بود که ریشه در تاریخ و فرهنگ این سرزمین داشت و اکنون در معرض هجوم، تحقیر و نابودی قرارگرفته بود. مسلمانان آسیای مرکزی،

---

۱ . *مبارزات خلق مسلمان ترکستان بر ضد استعمار سرخ شورووری و چین*، ص ۵۴.

۲ . از معروف‌ترین شورش‌های مردم آسیای مرکزی علیه روس‌ها جنبش باسماچیان بود(*Bolshevism in Turkestan ,p41*). لفظ «باسماچی» در زبان روسی به معنای یاغی است. این لقبِ اهانت‌آمیز، که روس‌ها به شورشیان مسلمان آسیای مرکزی داده بودند، (*تاجیکستان بهای آزادی*، ص۳۱، ۳۵ و۴۱؛ *امپراطوری فروپاشیده*، ص۲۹) چنان فراگیر شد که در خود آسیای مرکزی نیز به کار رفت. (*«اسلام‌گرایی در تاجیکستان – آسیای مرکزی»*، شهریور ۱۳۹۱) این لقب بعدها به همه حرکت‌های مسلحانه سیاسی اطلاق شد. قیام باسماچیان و مبارزه آن‌ها، به صورت‌های گوناگون، حدود شانزده سال (۱۹۱۷–۱۹۳۳م) به طول انجامید و سه مرحله اصلی را گذراند. (*قیام باسماچیان*، دیباچه؛ *تاجیکستان (تحولات سیاسی – اجتماعی در یک‌صد سال اخیر)*، ص ۵۳–۷۹.) قیام باسماچیان، پس از پیروزی انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ م و آن‌گاه که بلشویک‌ها حکومت مسلمانان خوقند را سرنگون کردند، در پی نابسامانی‌های اقتصادی و همچنین بی‌حرمتی‌های روسی‌ها به سنن و آداب مسلمانان، از دره فرغانه در ترکستان آغاز شد و دامنه آن به سمرقند و بخارا کشید و، سرانجام، در سال ۱۹۱۸م، در سراسر آسیای مرکزی فراگیر شد. (*تاریخ نافع*، ص ۱۰۸؛ برای آگاهی بیشتر ر.ک. *انقلاب و ضدانقلاب در آسیای میانه (شورش باسماچیان ۱۹۱۷–۱۹۳۳)*، فصل سوم). جنبش باسماچیان تا سال ۱۹۲۴ م در بیشتر نواحی آسیای مرکزی ادامه داشت، اما ازآن‌پس تا سال ۱۹۳۳م به برخی مناطق دره فرغانه محدود شد. مبارزه باسماچیان با روس‌ها مبارزه ضد کمونیست‌ها با کمونیست‌ها نبود، بلکه مبارزه مسلمانان با روس‌های کمونیست بود. این جنبش جنبشی اسلامی بود که از روحیه مذهبی و ظلم‌ستیزی مردم مسلمانِ آسیای مرکزی ناشی می‌شد، هرچند روس‌ها سعی کرده‌اند، در منابع خود، این جنبش را مبارزه صرفاً انقلابیِ ملی‌گرایانی احساساتی و گمراه قلمداد کنند، که فاقد هرگونه نظم و هدفی بوده و موردحمایت انگلیس قرار داشته‌اند. درواقع، آن‌ها کوشیده‌اند این‌گونه نقش مسلمانان را در این قیام کم‌رنگ سازند، حال‌آنکه چنین موضوعی صحت تاریخی ندارد.

۳ . *تاجیکستان بهای آزادی*، ص ۴۰؛ *اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز*، ص ۱۲۲ – ۱۳۷؛ حکومت مسکو و مسأله مسلمانان آسیای مرکزی شوروی، *ص۱۱۷*.

به‌درستی، دریافتند که راه مقابله با کمونیست‌ها حفظ فرهنگ اسلامی و آداب‌ورسوم بومی خویش است و راهی جز این ندارند.[۴]

۳. فعالیت غیررسمی شبکه‌ای از گروه‌های مذهبی، به رهبری مشایخ صوفی(ایشان‌ها)، در مقابل اسلام رسمی.[۵] تصوف از ارکان مهم اسلام در آسیای مرکزی است و اسلام در این منطقه سیمایی طریقتی دارد.[۶] روحانیون غیررسمی مسئول مکان‌های مذهبی و زیارتگاه‌های مهم و متولی امور کفن‌ودفن، عروسی‌ها و سایر مناسک بودند. درواقع، آن‌ها با این اقدامات موجبات زنده-ماندن روحیات مذهبی در بین جامعه را فراهم می‌کردند، به‌گونه‌ای‌که آنچه مسلمانان آسیای مرکزی را از نابودی حفظ کرد، اسلام موازی[۷] و پایبندی مردم به هویت مذهبی و اصالت خویش بود[۸] و همین اسلام غیررسمی بود که موجب شد هم‌زمان با اصلاحات دوره گورباچف، بانگ اذان از مناره‌های مساجد برخیزد و نغمه توحید در سراسر شهرها و روستاهای آسیای مرکزی طنین‌انداز شود.[۹]

نتیجه

بلشویک‌ها پس از پیروزی در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م در روسیه به‌سرعت بر آسیای مرکزی مسلط گردیدند. آنان که اسلام را با باورهای دین‌ستیزانه خود در تعارض می‌دیدند و آنان را خطری مهم برای استحکام حکومت خود، بر سرزمین‌های اسلامی امپراتوری روسیه، می‌پنداشتند، اقدامات شدیدی را به‌منظور حذف اسلام و سرکوب مسلمانان انجام دادند.

اوج اقدامات اسلام‌ستیزی بلشویک‌ها در دوره استالین بود که کشتار و تبعید مسلمانان به مناطقی مانند سیبری، تخریب و تعطیلی مساجد و مدارس دینی، جلوگیری از انجام گرفتن تکالیف شرعی، مقابله با فعالیت‌های مبلغان مذهبی، توقف چاپ کتب دینی به‌ویژه قرآن، تبدیل خط و الفبای عربی و فارسی به روسی، لغو حجاب، مصادره اوقاف، تغییر تعطیلی از روز جمعه به یکشنبه و منحل‌کردن دادگاه‌های شرعی ازجمله آن‌هاست. در دوره

---

۴ . *تاریخ اسلام*، ص ۸۴۸–۸۴۵؛ «اسلام در آسیای مرکزی»، ص ۱۷۱–۱۷۲.

۵ . *مصاحبه حضوری با آقای سیدجواد جلالی کیاسری* (کارشناس فرهنگی آسیای مرکزیِ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی)، ۱۳۹۱/۲/۱۷.

۶ . ر.ک. «تصوف در آسیای مرکزی»، ص ۲۰؛ "The states of Central Asia (second half of nineteenth century to early twentieth century)" ,p 98

7 .Parallel Islam

۸ . جهاد: *ظهور اسلام پیکارجو در آسیای میانه*، ص ۵۸؛ *استقامت اسلام در شوروی*، ص ۱۷–۱۸.

۹ . *آوای توحید: نامه امام خمینی سلام‌الله‌علیه به گورباچف و شرح نامه*، ص ۱۱.

خروشچف نیز با کنترل شدید فعالیت‌های مذهبی و تأسیس مراکز و مجامع ضد دینی مانند مجمع منکران خدا سیاست دین ستیزانه بلشویک‌ها تدوام یافت، تا آنکه از دوره برژنف تا گورباچوف این سیاست‌های ضد مذهبی تعدیل شد.

بررسی وضعیت مردم آسیای مرکزی، قبل و پس از فروپاشی شوروی، نشان می‌دهد که بلشویک‌ها، با وجود همه تلاش‌ها و تبلیغات ضد اسلامی‌شان، در حذف اسلام از زندگی مردم آسیای مرکزی چندان موفق نبوده‌اند. هرچند سیاست‌های اسلام‌ستیزانه بلشویک‌ها در آسیای مرکزی باعث گردید جریان‌های اسلامی نتوانند در قالب رسمی فعالیت نمایند، ولی این بدان معنا نبود که دین و مذهب از این سرزمین رخت بربندد. مردم مسلمان آسیای مرکزی، با برپایی جنبش‌هایی نظیر «باسماچی» و حفظ هویت دینی و ملی خود در قالب اسلامِ غیررسمی، مقاومتی ستودنی در برابر بلشویک‌ها از خود به یادگار نهادند و نشان دادند که روح اسلام در کالبد این کشورهای این منطقه زنده است.

منابع

۱. آوتور خانوف،آ، *مسئله اقلیت‌های ملی در شوروی*، ترجمه فتح‌الله دیده‌بان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ش.

۲. ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله ، *ملیت‌های آسیای میانه*، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰ش.

۳. احمد، رشید، *جهاد: ظهور اسلام پیکارجو در آسیای میانه*، ترجمه جمال آرام، تهران، عرفان، ۱۳۷۸ش.

۴. اشپولر، برتولد، الکساندر بنیکسن و دیگران، *آسیای میانه(مجموعه مقالات تاریخی)*، ترجمه کاوه بیات، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۶ش.

۵. اشتاگل برگ، گئورگ فون، *استقامت اسلام در شوروی*، ترجمه احمد احمدی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۶. اصطخری، ابواسحق ابراهیم، *مسالک و ممالک* ، به کوشش ایرج افشار، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ش.

۷. امیراردوش، محمدحسین، «*اسلام‌گرایی در تاجیکستان – آسیای مرکزی*»، سخنرانی در اجلاس رایزن‌های فرهنگی کشورهای آسیای مرکزی در مشهد مقدس، شهریور ۱۳۹۱ش.

۸. بارتولد، ولادمیریچ، *خاورشناسی در روسیه و اروپا*، ترجمه حمزه سردادور، تهران، سینا، ۱۳۵۱ش.

۹. بارتولد، ولادمیریچ، *گزیده مقالات تحقیقی*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸ش.

۱۰. برومند اعلم، عباس، «*سیاست‌های استعماری روسیه تزاری در فرارود*»، فصلنامه مطالعات تاریخ ایران اسلامی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱ش، صص۱۹-۳۶.

۱۱. بلجوانی، محمدعلی، *تاریخ نافع*، به‌کوشش احرار مختار، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴ش.

۱۲. بلنیتسکی، آ، *خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه)*، ترجمه پرویز ورجاوند، تهران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، چاپ دوم، ۱۳۷۱ش.

۱۳. بنیکسن، الکساندر و مری براکس آپ، *مسلمانان شوروی: گذشته، حال و آینده*، ترجمه کاوه بیات، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.

۱۴. بوستانی بخارایی، عبدالعظیم، *تحفه شاهی*، تصحیح نادره جلالی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۸ش.

۱۵. پاکت چی، احمد، «*ازبکستان*»، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۸، ۱۳۷۷ش.

۱۶. تکمیل همایون، ناصر، «*نگاهی به آسیا و شناخت آسیای مرکزی*»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۳، زمستان ۱۳۷۱ش.

۱۷. جلالی کیاسری، سیدجواد (کارشناس فرهنگی آسیای مرکزیِ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی). *مصاحبه حضوری*، ۱۳۹۱/۲/۱۷ش.

۱۸. جوادی آملی، *آوای توحید: نامه امام خمینی سلام‌الله‌علیه به گورباچف و شرح نامه*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۹ش.

۱۹. *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، ترجمه میرحسین شاه، به تصحیح مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرام، تهران، دانشگاه الزهرا، ۱۳۷۲ش.

۲۰. حسین‌زاده، نصرالله، «*بررسی تاریخی اوضاع اجتماعی-سیاسی مسلمانان آسیای مرکزی*»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، ش ۷، بهار ۱۳۹۴ش.

۲۱. خروشچف، نیکیتا. س، *سال‌های حاکمیت*، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران، موسسه انتشارت نوین، ۱۳۶۲ش.

۲۲. خلیلی، سیامند، «*تاجیکستان درگذر تاریخ*»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش۱۶۲، آبان ۱۳۹۰ش.

۲۳. خیری، ابوذر، «*تجدید حیات در آسیای مرکزی*»، فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۴، زمستان ۱۳۷۹ش.

۲۴. دانشگاه کمبریج، *تاریخ اسلام*، ترجمه احمد آرام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ش.

۲۵. دِربیشایر، یان، *تحولات سیاسی در اتحاد شوروی از برژنف تا گورباچف*، ترجمه هرمز همایون‌فر، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷ش.

۲۶. دلدم، اسکندر، *اسلام در شوروی*، تهران، مرکز فرهنگی-هنری اقبال لاهوری، ۱۳۶۷ش.

۲۷. دو ب. یاروشوسکی، *خوارزم سرخ: جنیدخان، بلشویک‌ها و سقوط خانات خیوه ۱۹۲۴-۱۹۱۰م*، ترجمه کاوه بیات، تهران، پردیس دانش، ۱۳۹۲ش.

۲۸. روشنیان، کریم، *اسلام و شوروی*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۲۹. ریوکین، مایکل، *حکومت مسکو و مسأله مسلمانان آسیای مرکزی شوروی*، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶ش.

۳۰. زمانی محجوب، حبیب، «تصوف در آسیای مرکزی»، فصلنامه *پژوهش‌های منطقه‌ای*، ش ۷، بهار ۱۳۹۴ش.

۳۱. سارلی، اراز محمد، *ترکستان در تاریخ*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ش.

۳۲. سنایی، مهدی، «*اسلام در آسیای مرکزی*»، نامه فرهنگ، ش۲۶، ۱۳۷۶ش.

۳۳. شکوری بخاری، محمدجان، *صدر بخارا (تک‌نگاشتی در تحولات سیاسی – اجتماعی بخارای شریف طی نیمه پایانی امارات خانات منغیت)*، به اهتمام صفا اخوان، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰ش.

۳۴. شهاب، محمداسد، *مبارزات خلق مسلمان ترکستان بر ضد استعمار سرخ شورورى و چین*، ترجمه مهدی پیشوائی، قم، توحید، ۱۳۵۸ش.

۳۵. طلوعی، محمود، *از لنین تا گورباچف*، تهران، انتشارات تهران، ۱۳۷۰ش.

۳۶. عطایی، فرهاد، *«هویت ملی و ملت باوری در آسیای مرکزی»*، فصلنامه سیاست، دانشگاه تهران، ش۲، تابستان ۱۳۸۷ش.

۳۷. فرحناکی، شهرام، *اقدامات روسیه در آسیای مرکزی*، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۰ش.

۳۸. فردوسی، *شاهنامه*، جلد اول، تصحیح ژول مول، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۶۳ش.

۳۹. فرو، مارک، *انقلاب روسیه*، ترجمه جمشید نوروزی، تهران، دانشگاه تهران، ۲۵۳۷.

۴۰. فریزر، گلندا، *انقلاب و ضدانقلاب در آسیای میانه (شورش باسماچیان ۱۹۱۷–۱۹۳۳)*، ترجمه کاوه بیات، تهران، پردیس دانش و شرکت نشر و پژوهش شیراز، ۱۳۸۵ش.

۴۱. کاراجیانس، امانوئل، *اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی*، ترجمه و تنظیم مرکز مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر (شعبه خراسان)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۱ش.

۴۲. کارر دانکوس، هلن، *امپراطوری فروپاشیده*، ترجمه عباس آگاهی، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.

۴۳. کبریایی‌زاده، علی (مدیر سابق بخش آسیای مرکزی معاونت امور بین‌الملل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی). *مصاحبه حضوری*، ۱۳۹۱/۱۲/۴.

۴۴. کتانی، علی، *اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز*، ترجمه محمدحسن آریا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳ش.

۴۵. کستنکو، کاپیتان اتاماژو، *شرح آسیای مرکزی و انتشار سیویلیزاسیون روسی در آن، با نقشه ممالک آسیای مرکزی*، ترجمه ماردورس داودخالف، به اهتمام محمدحسن صنیع‌الدوله، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳ش.

۴۶. کننساریف، تی، *قرقیزها و خانات خوقند*، ترجمه علیرضا خداقلی پور، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰ش.

۴۷. کولایی، الهه، *بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی: زمینه‌ها و چشم‌اندازها*، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴ش.

۴۸. کیلانی، نجیب، *سرگذشت ترکستان یا کارنامه سیاه روس و چین*، ترجمه حسین‌علی انصاری مشهد، هجرت، ۱۳۶۴ش.

۴۹. *مذهب در شوروی*، قم، ارشاد، بی‌تا.

۵۰. *مراسلات در باب آسیای مرکزی*، به‌کوشش محمدحسن کاووسی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳ش.

۵۱. مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ش.

۵۲. میرحیدر، دره، *«ریشه‌های تاریخی مسائل جغرافیایی سیاسی»*، تحولات پنج دهه اندیشه و جستار در جغرافیای سیاسی، مشهد، پاپلی یزدی، ۱۳۸۹ش.

۵۳. نیکولایوا، لاریسا، *تاجیکستان (تحولات سیاسی – اجتماعی در یک‌صد سال اخیر)*، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰ش.

۵۴. ولیدی طوغان، احمد زکی، *قیام باسماچیان*، ترجمه علی کاتبی، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵ش.

۵۵. وهابوف، عبدالله، *مسلمانان در اتحاد شوروی*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۵۶. هانتر، شیرین، جفری ل. تامس و الکساندر ملیکیشویلی، *اسلام در روسیه: سیاست‌های هویتی و امنیتی*، ترجمه الهه کولایی، سیده‌مطهره حسینی و اسما معینی، تهران، نشر نی، ۱۳۹۱ش.

۵۷. هلِت کار، ادوارد، *تاریخ روسیه شوروی (انقلاب بلشویکی ۱۹۲۳–۱۹۱۷)*، ترجمه نجف دریابندری، تهران، زنده‌رود، ۱۳۷۱ش.

۵۸. یزدانی، عنایت‌الله، *«نقش اسلام در آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی»*، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۴۸، سال ۱۳۸۳ش.

۵۹. یوسف، شادمان، *تاجیکستان بهای آزادی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ش.

60. Dave Crouch *, ” The Bolsheviks and Islam”,* International Socialism journal, issue 110, April 2006

61. Fourniau, V and C.Poujol *,“The states of Central Asia (second half of nineteenth century to early twentieth century)”* ,History of civilizations of Central Asia, paris, United Nations Educational Scientific and Cultural Organization, 2005.

62.Imam Rofi'i ,*Soviet Anti-religious Policies and the Muslims of Central Asia, 1917-1938,* Mc Gill University, 1994.

63. Roy, Olivier, The *New Central Asia: The Creation of Nations*, New York, University Press, 2000.

64. Sakwa, Richard, *Soviet Politics*, London, Routledge, 1991.

65. Park, Alexander Garland, *Bolshevism in Turkestan, 1917-1927*, New York: Columbia University Press, 1957.

66. Bunyan,James and H.H.Fihsher, *The Bolshevik Revolution, Califonia, Stanford University, 1934.*